

فهرست مطالب

فصل اول

انسان و شکل‌گیری اجتماعات قومی

- ۱۱..... مفاهیم اساسی در شناخت گروه‌های قومی
- ۱۶..... اشکال پدیده‌های اجتماعی و انسانی
- ۲۰..... چگونگی طیف بندی و گروه بندی افراد در درون اجتماعات و جوامع انسانی
- ۲۲..... چرایی و چگونگی شکل‌گیری گروه‌های قومی و خرده فرهنگها
- ۲۷..... روندها و فرآیندهای تاریخی و ساختاری اثر گذار بر شکل‌گیری گروه‌های قومی
- ۳۲..... عملکرد ساختاری و کارکردی گوناگون گروه‌های قومی، خرده فرهنگها
- ۳۶..... عملکرد و کارکردهای گوناگون گروه‌های قومی، خرده فرهنگها

بخش دوم

نظریات تبیین‌کننده مسائل گروه‌های قومی

- ۴۵..... چهار چوب‌های تحلیلی در جامعه شناسی گروه‌های قومی
- ۵۰..... عمده مسائل متلازمه گروه‌های قومی، خرده فرهنگها و فرهنگ عمومی
- ۵۵..... عمده رویکردها، نظریه‌ها و گفتمان‌های مطروحه در حوزه گروه‌های قومی، خرده فرهنگها
- ۹۴..... منابع و مراجع

۲- هستی: آگاهی انسان از شرایط زندگی و زمان و مکان زندگی را هستی می‌توان در نظر گرفت. هستی همان توانایی اندیشیدن و درک وجود انسان در درون جامعه و اجتماع انسانی است. انسان با هستی خود توانایی ورود به جامعه را بدست می‌آورد و بر اساس آن مقام و جایگاه و رفتار خود را مشخص می‌کند. هستی توانایی سازگاری با شرایط و انطباق با زندگی اجتماعی و روابط بین انسان‌ها را شکل می‌دهد. هستی فهم انسان از موقعیت اجتماعی و فردی خویش در بطن جامعه و زندگی می‌باشد.

۳- هستی اجتماعی: انسان با توجه به شناخت‌ها و نیازهای زندگی اجتماعی، به هستی اجتماعی و پدیده‌ای به نام جامعه وارد می‌شود. هستی اجتماعی همان توانایی زندگی انسان با انسان‌ها و هم‌نوعان خود در جامعه است. از طریق آگاهی و شناخت به محیط و انسان‌های موجود در آن می‌توان بسترهای زندگی را در آن ایجاد کرد و جایگاه خود در اجتماع را تعیین کرد. انسان هستی خود را از زندگی با جمع بدست می‌آورد و این جمع و جامعه است که به زندگی انسان معنای هستی را اعطا می‌کند. هستی اجتماعی برای انسان‌ها ظرفیت همزیستی، رفع نیازها، همیاری و معاضدت در مسایل اجتماعی و فردی را فراهم می‌کند.

۴- اجتماعات حیوانی و انسانی: اجتماعات انسانی از انواع اجتماعات در دنیای پیرامون ما هستند که از اجتماع گروه‌ها و دسته‌های انسانی

به وجود می‌آید. اجتماع انسانی در شکل ساده خود به زندگی انسان‌ها در یک چهارچوب جغرافیایی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی می‌تواند اشاره داشته باشد. این اجتماع ممکن است در شکل اجتماع قومی باشد، ممکن است در شکل زندگی در یک روستا و آبادی ظهور نماید و یا اجتماع کاری و فکری و رفتاری باشد. در هر شکل اجتماع انسانی گرد هم آمدن تعدادی از انسان‌ها با تعاملات و کنش‌های رفتاری و اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که برای رسیدن به هدف‌ها و نیازهای خود و همدیگر نیازمند ارتباط متقابل با همدیگر هستند. اما اجتماع حیوانی به تعدادی از گونه‌های حیوانی اشاره دارد که به صورت غریزی و عادی با هم زندگی می‌کنند و ملاک انتخابی و آگاهانه بودن فعالیت‌های آنان و اعضا آن در گرد هم آمدن آنها دخالت ندارد. اجتماع انسانی یک اجتماع پویا و دارای هدف و ارتباط منطقی و عاقلانه است ولی اجتماع حیوانی یک اجتماع با رفتار غیر آگاهانه، غریزی و بدون علت از پیش تعیین شده است.

۵- شکل‌های انسانی: گونه‌ای از گروه‌ها و دسته‌بندی‌های اجتماعی است که انسان‌ها در روند زندگی اجتماعی نیازمند بهره‌گیری از آنها هستند. شکل‌های انسانی در زیر نام گروه‌ها و گونه‌های زندگی اجتماعی، اشکال زندگی گروهی و حرفه‌ای و ارتباطی به وجود می‌آیند. بیشتر شکل‌های انسانی در جهت رفع نیازهای

انسان‌ها ایجاد می‌شوند. تشکلهای ممکن است رنگ و بوی مقدس و آیینی به خود گیرند و ممکن است رنگ و بوی فرهنگی، سیاسی و قومی. در هر صورت می‌توان گفت تشکلهای انسانی جنبه‌های رسمی و جا افتاده تعاملات گروهی انسان‌ها در یک چهارچوب سرزمینی و سیاسی است. شکل‌های انسانی با ورود آگاهانه انسان‌ها به عضویت در گروه‌های اجتماعی ذینفع شکل گرفته و برای تداوم تعاملات زندگی اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر محسوب می‌شوند.

۶- جامعه: جامعه متشکل از افراد انسانی است که دارای مناسبات متقابل در یک سرزمین و حوزه جغرافیایی و اجتماعی مشخص تعریف شده می‌باشند. جامعه ترکیب ذهنی و عینی انسان‌ها و محیط ساخته و پرداخته آنهاست که چهارچوب رفتاری و عملی خاصی را برای آنها تولید و فراهم می‌کند. تا زمینه زندگی گروهی و اجتماعی آنها را به وجود آورد. در مفهوم جامعه شناختی جامعه عبارت است از مجموعه گسترده‌ای از مردم که گونه‌های متعدد واحدهای اجتماعی و سنخی و گروه‌های فرعی را در بر می‌گیرد و یک سنخ اجتماعی گسترده را می‌سازد.

انسان در تار و پود جامعه زندگی کرده و رشد می‌کند و به فکر ایجاد تعامل اجتماعی برای رفع نیازهای خود می‌گردد. انسان با هستی و ابراز وجود خود به عنوان یک موجود متفکر، در فکر ابراز وجود خود و استفاده از اندیشه‌ها و افکار هستی‌شناسانه خویش می‌باشد. آنچه به تقابل اندیشه‌ها و برداشت‌های هستی‌شناسانه انسان‌ها می‌انجامد، ظرفیت وجودی و تفاوت ظرفیت انسان‌ها در درک متقابل افکار و اندیشه‌های آنهاست. اجتماعات انسانی به عنوان محل برخورد اندیشه و هستی‌های انسانی می‌تواند زمینه بروز دیدگاه‌ها و گرایش‌های مختلف را در میان آنها شکل دهد. این گروه‌ها هر یک دارای گرایش‌های مختلف هستی‌شناسانه، تمایلات و طرز تلقی‌های مختلف از مناسبات اجتماعی و نحوه برخورداری و اثرگذاری بر آنها می‌باشند. همین مناسبات اجتماعی به شکل گیری قطب بندی گروهی و گروه‌ها و تعاملات و حتی برخوردهای موجود میان آنها منجر می‌شود. اکثر تشکلهای و گروه‌های انسانی در جوامع انسانی دارای مناسبات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی هستند اما نحوه بهره‌مندی گروه‌های از منابع مختلف موجود در جامعه زمینه شکل گیری اختلافات، تفاوت‌ها و یا مشارکت اجتماعی آنها را در جامعه شکل می‌دهد. بدون وجود رابطه تعاملی در میان گروه‌ها و درک مثبت هستی‌شناسانه از موقعیت همدیگر امکان همزیستی و شکل گیری وحدت و موجودیت گروه‌های اجتماعی ممکن نیست.

۲- اشکال پدیده‌های اجتماعی و انسانی و اثر گذاری تعاملی و دیالکتیکی آنها بر حوزه مفاهیم قومی

- اهداف و انتظارات انسان و جامعه
- حقوق و تکالیف انسان و جامعه
- روابط و مناسبات اجتماعی و نظام مدیریتی در اجتماعات و جوامع انسانی
- تقسیم کار اجتماعی
- شکل‌گیری گروه‌های قومی، خرده فرهنگ عمومی در اجتماعات انسانی
- نحوه تولید و توزیع و مصرف فرآورده‌های هستی و هستی اجتماعی
- فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های برخاسته از تعامل گروه‌های قومی
- تحولات، دگرگونی‌ها، حرکات اجتماعی، اصلاحات اجتماعی، انقلاب‌ها و توسعه در اجتماعات و جوامع انسانی

جامعه‌ی انسانی تنها مجموعه ساده‌ای از افراد نیست، بلکه نظامی است که از پیوند آنها بدست می‌آید و معرف واقعیت ویژه‌ای است که خصلت‌های خاص خود را دارد. آنچه در جریان شکل‌گیری گروه‌های قومی و خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ عمومی در جوامع دارای اثر بیشتر و مهمتر از همه عوامل دخیل می‌باشد میتوان در موارد و گزینه‌های زیر دسته بندی کرد:

۱- میزان برخورداری از مواهب و استعدادها و منابع طبیعی که یک گروه قومی را بر سایر گروه‌ها برتری می‌دارد.

۲- نحوه ریاست و اعمال سیاست بر دیگر گروه‌های قومی که این عامل هم از کم و کیف برخورداری و مدیریت عامل اول ناشی می‌شود.

۳- مدیریت سیاسی گروه‌های قومی و خرده فرهنگ‌های آنها

۴- جریان‌ات اجتماعی، جنگ‌ها و منازعات و تعاملات گروهی و نوع و میزان تاثیر آنها در یک جامعه

برای فهم چگونگی و چرایی رفتار انسان‌ها در جامعه، لازم است از طبیعت و ماهیت کنش‌های متقابل گروه‌ها و افراد تشکیل‌دهنده جامعه، اطلاع حاصل کرد، لازم است از طبیعت و ماهیت مختصات و ویژگی‌های زندگی اجتماعی و سه جنبه اساسی آن (ساختار، کارکرد، فرهنگ) که تا حد زیادی شکل‌دهنده رفتار انسان است، آگاه شد؛ زیرا

شناخت جوامع انسانی و اجتماعی بدون شناخت ساختارها و کارکردهای پدیده‌های اجتماعی و بی‌توجه به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مقدور نیست. هر جامعه از انسان‌ها و گروه‌های که انسان‌ها تشکیل داده‌اند هستند، به وجود آمده است. این انسان‌ها و گروه‌ها در داخل جامعه خود دارای حقوق و تکالیف متقابل نسبت به همدیگر هستند. برخی از گروه‌ها در نقش میانجی بین جوامع و سایر گروه‌های اجتماعی هستند، برخی عامل بی‌ثباتی و ناپایداری در بین یکدیگر هستند و در نهایت برخی از گروه‌های اجتماعی به عنوان یک نماد بی‌تفاوتی در میان سایر گروه‌ها می‌باشند که نشان از عدم وجود رابطه متقابلی و بده و بستان در جامعه می‌باشد. هر جامعه‌ای در پرتو مناسبات میان افراد و گروه‌های تشکیل دهنده آن و نوع مناسبات و میزان برخورداری آنها از مواهب و استعدادها و ظرفیت‌های اجتماعی رشد و تکامل می‌یابد. همین برخورداری از استعدادها، منابع و ظرفیت‌های انسان‌ها، گروه‌ها در جوامع به ظهور تقسیم‌کار اجتماعی و چگونگی مدیریت بر آن منجر می‌شود. گروه‌های برخورداری از مواهب و منابع طبیعی و جغرافیایی، داعیه حکومت و حکمرانی بر دیگر گروه‌ها و انسان‌ها را در سر پرورانده و زمینه بروز دسته‌بندی‌های قدرت و حاکمیت قومی و یا تمرکز قدرت در دست یک گروه پر قدرت را شکل می‌دهند. در طول تاریخ و حیات یک قوم در بستر آن، باورها و مشخصات فرهنگی گروه‌های قومی و خرده فرهنگ‌های آنها رشد و تکامل می‌یابد. از این رهگذر آن گروه‌ها و خرده فرهنگ‌هایی مجال رشد

بیشتر و قدرت نمایی بیشتری را دارند که از توان به زیر سلطه بودن سایر گروه‌های قومی و یا افراد انسانی، بیشترین نفع و بهره‌برداری را ببرند. توان اعمال خواسته‌ها، بهره‌برداری بیشتر از منابع، گسترش حاکمیت سیاسی و تمرکز گرایی در سیاست‌ها، خودکامی و عدم توجه به خواسته‌های دیگر گروه‌های قومی زمینه را برای جولان یک گروه قومی مسلط و یک‌تکازی سیاسی و اقتصادی فراهم می‌آورد. با گسترش ابزارهای فنی و ارتباطات و تعاملات بین گروهی و تکنولوژیکی، روابط بین گروه‌های قومی و اجتماعی در جوامع نیز دگرگون می‌شود. گروه‌های مسلط و قدرتمند تر قومی و فرهنگی، از راه‌ها و روش‌های مختلفی سعی می‌کنند حلقه نفوذ و تاثیر گذاری خود را بر دیگر گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها گسترده تر و بیشتر نمایند و از این طریق میزان بیشتری از سلطه و حاکمیت قدرت خود را بر سایر گروه‌ها هموار سازند.

یک نظام مدیریتی اثر گذار در بین جوامع انسانی، چنانچه فقط به فکر منافع گروه قومی خود باشد و آمال و خواسته‌های دیگر گروه‌ها را نادیده بگیرد، از وجهه اعتباری لازم در بین دیگر گروه‌های قومی برخوردار نخواهد بود. همین امر زمینه بروز نارضایتی و بی‌عدالتی، تضاد قومی، حرکات اصلاحی و انقلابی و تنش در میان سایر گروه‌های قومی را به همراه خواهد داشت. چنانچه در اکثر جوامع برخوردار از گروه‌های قومی و خرده فرهنگ‌ها مشاهده می‌شود که اغلب تنش‌ها و انقلاب‌ها و